



اولویت بندی موانع مشارکت فرابخشی در ورزش دانش آموزی با استفاده از مدل ساختاری تفسیری

جواد قاسمی روشناوند^۱، حسن بحر العلوم^۲، رضا اندام^۳، هادی باقری^۴

۱- دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه صنعتی شاهرود

۲- دانشیار مدیریت ورزشی، دانشگاه صنعتی شاهرود

۳- دانشیار مدیریت ورزشی، دانشگاه صنعتی شاهرود

۴- استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه صنعتی شاهرود

چکیده

مشارکت نوعی پیوند چندسویه، سازنده و سودمند میان افراد به منظور تامین نیازهای خارج از توان فردی است، که در آن به اصل برابری انسان ها توجه می شود. مشارکت در عرصه های گوناگون بویژه در زمینه آموزش و پرورش دارای اهمیت و ضرورت فراوانی است به گونه ای که محور اصلی توسعه هر کشوری برپایه ی مشارکت در آموزش و پرورش استوار است. بر اساس تحقیقات موجود مشارکت فرابخشی در ورزش دانش آموزی علیرغم فواید و ضرورت فراوان، وضعیت رضایت بخشی ندارد و با موانع متعددی روبروست. از این رو پژوهش حاضر با هدف اولویت بندی موانع مشارکت های فرابخشی در ورزش دانش آموزی با استفاده از مدلسازی ساختاری تفسیری انجام شد. تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی، واز نظر گردآوری داده ها توصیفی از نوع پیمایشی است. جهت انجام پژوهش ابتدا موانع مشارکت فرابخشی در ورزش دانش آموزی براساس مطالعه ادبیات و تحلیل محتوایی و مقایسه ای پژوهش های مرتبط و مصاحبه با خبرگان و متخصصین شناسایی و سپس با استفاده از روش مدلسازی ساختاری -تفسیری روابط بین موانع مشارکت تعیین و به صورت یکپارچه تحلیل شد. در نهایت به منظور خوشه بندی موانع از روش MICMAC استفاده شد. از آنجایی که این روش مبتنی بر نظر خبرگان است، از نظرات ۱۵ نفر از مسئولین ورزش دانش آموزی، دبیران با تجربه تربیت بدنی و اساتید دانشگاهی استفاده شد. نتایج نشان داد که اسناد بالادستی و نا آگاهی با میزان قدرت نفوذ ۱۲ و قدرت وابستگی ۶ از تأثیر گذارترین موانع مشارکت های فرابخشی در ورزش دانش آموزی به حساب می آیند.

واژگان کلیدی: روش دلفی، مشارکت، مدلسازی ساختاری تفسیری، ورزش تربیتی، همکاری.